جنایت ۱۷ شهریور، مقدمه سقوط رژیم پهلوی

مروری بر کلام امام خمینی درباره قیام خونین ۱۷ شهریور

تابستان سال ۱۳۵۷، دوران پرالتهاب برای مردم انقلابی ایران به شمار می‌آمد، التهابی که سرانجام آن کشیده شدن سلطنت پهلوی به گرداب مرگ بود. سال ۵۷، سال پایانی حکومت پهلوی بود و اعتراضات در برابر این رژیم به اوج خود می‌رسید. اوج این اعتراضات در شهریور همان سال، اتفاق افتاد. شهریور ۵۷ مصادف با ماه رمضان بود. همین امر سبب شده بود که مجامع و تشکل‌های مردمی در مساجد، سازماندهی گسترده‌ای پیدا کنند که با هدف حذف رژیم پهلوی و استقرار حکومت اسلامی فعال بودند. اولین جرقه این اقدامات در ۱۳ شهریور که مصادف با عید فطر بود توسط ملت غیور ایران زده شد. تظاهرات ۱۳ شهریور در واقع نوید پیروزی انقلاب را داد که در پی آن قیام ۱۶ و ۱۷ شهریور شکل گرفت. در واقع تظاهرات وسیع عید فطر، تیر خلاصی بر پیکره رژیم پهلوی وارد نمود و قدرت اسلام و روحانیت و مردم ایران بیش از پیش نمایان شد. به دنبال تشدید ناآرامی‌ها، رژیم شاه تصمیم به سرکوب همه جانبه ملت گرفت. اعلام حکومت نظامی، چاره شاه برای حل این بحران بود که با حمایت کارتر (رئیس جمهور وقت آمریکا) به اجرا درآمد. دو روز قبل از اعلام حکومت نظامی اردشیر زاهدی پیام کارتر را به ایران آورد و شاه طی جلسه‌ای با شریف امامی، اردشیر زاهدی و تیمسار اویسی، در تهران و یازده شهر دیگر اعلام حکومت نظامی نمودند. این تصمیم زمانی ابلاغ شد که مردم اطلاعی از حکومت نظامی نداشتند. صبح ۱۷ شهریور فرار رسید و مردم بی‌خبر از حکومت نظامی در ساعت ۸ صبح در میدان ژاله تهران تجمع نمودند. تعداد تظاهر کنندگان به حدی بود که خیابانها اطراف را هم فرا گرفته بود. دیری نپایید که نظامیان از همه جهات و حتی پشت بامهای اطراف، تظاهرکنندگان را محاصره کردند. مردم بی‌اعتنا به تذکر نظامیان به تظاهرات خود ادامه می‌دادند تا اینکه نظامیان از هر سو مردم بیگناه را به آتش گلوله بستند و دریایی از خون بر روی زمین جاری ساختند. عده زیادی از مردم بی‌گناه، شهید و مجروح شدند.

***امام خمینی: ۱۷شهریور «مِنْ ایام الله» است، باید متذکر باشید. باید یادآوری کنید این «ایام الله» را. چنانچه کردید؛ از یاد نباید برود این «ایام الله» برای اینکه این ایامند که آدم سازند**

شاه با کشتار مردم در روز ۱۷ شهریور تصور کرد که می‌تواند عامل توقف انقلاب شود اما این تصور باطلی بیش نبود و مردم ایثارگر از جان گذشته نه تنها عقب نشینی ننمودند بلکه صفوف مبارزاتی خود را مستحکمتر می‌نمودند. امام خمینی حادثه ۱۷ شهریور را در شمار "ایام الله" نامیدند و همواره به ملت ایران توصیه می‌کردند که یادآور عظمت این واقعه و متذکر جانفشانی‌های ملت ایران در این روز باشند. «۱۷شهریور «مِنْ ایام الله» است، باید متذکر باشید. باید یادآوری کنید این «ایام الله» را. چنانچه کردید؛ از یاد نباید برود این «ایام الله» برای اینکه این ایامند که آدم سازند. این ایام است که جوانهای ما را از عشرتکده‌ها بیرون می‌آورد به میدان جنگ می‌برد. این ایام الهی هست که ملت ما را بیدار می‌کند، و بیدار کرد. امر می‌کند: ذَکِّرْهُمْ بِایامِ الله؛ «ایام الله» را در ذکر مردم وارد کن.» (صحیفه امام؛ ج ۹،ص ۴۶۶؛ ج۱۳، ص ۱۸۷).

حکومت نظامی تنها بهانه شاه برای کشتار مردم به حساب می‌آمد. مردمی که به آرامی مشغول تظاهرات بودند و صرفاً با شعار، خواسته‌های خود را بیان می‌کردند به وسیله شاه و مدعیان دروغین حقوق بشر، با سلاح‌های جنگی به خاک و خون کشیده شدند. حضرت امام، حکومت نظامی را جرم و دستور دهنده آن را مجرم تلقی می‌کند. «بار دیگر شاه با دستور حکومت نظامی در تهران و سایر شهرستانهای بزرگ ایران، ثابت کرد که پایگاهی در میان ملت ندارد. اعلام حکومت نظامی در محیطی آرام- به اقرار رادیو و مطبوعات ایران که راهپیمایی با کمال آرامش در آن انجام می‌گرفت- نه تنها قانونی نیست بلکه جرم است و دستور دهنده آن مجرم. شاه برای به رگبار بستن مردم بی‌دفاع و مظلوم هیچ بهانه‌ای را بهتر از حکومت نظامی ندید...» (صحیفه امام؛ ج ۳، ص ۴۵۹)

بعد از این حادثه، حضرت امام با مخاطب قرار دادن علمای بزرگ و سیاسیون به آنها اعلام نمودند که از هیچ قدرتی نهراسند و با اعتماد و روحیه مضاعف به متشکل‌تر کردن صفوف مبارزات بپردازند. (صحیفه امام؛ ج ۳، ص ۴۶۱) بی‌شک روز ۱۷ شهریور، نشاندهنده اراده آهنین و استقامت ملت در برابر شاه جور پیشه بود. امام خمینی در بخش دیگری از پیام خود می‌فرمایند: «...روزهای اخیر، تهران و سایر شهرستانهای مهم ایران برای اظهار مظلومیت و مخالفت با مجرمی که ۳۵ سال بر مقدرات آنان سلطه دارد و جنایات و خیانتهای او در کشور و مخالفت‌های او با قانون اساسی واضح است، شاهد راهپیمایی‌های آرام بود. اظهار مخالفت با مجرمی که تمام هستی ملت را به باد داده است، از طرف کسانی بود که در حد عالی شعور سیاسی و دینی بودند؛ به طوری که حاضر شدند ارتش را گلباران کنند ولی «دولت آشتی ملی»، آنان را به عنوان شعار بر خلاف قانون اساسی، محکوم نمود؛ و حال آنکه شعار آنان بر ضد قانون اساسی شکن- یعنی شاه- بود. شعار بر ضد رژیم تحمیلی غیر قانونی بود، اظهار مظلومیت بود ولی واقعیت این است که شاه می‌خواهد انتقام خود را از ملت بی‌دفاع بگیرد، و با صحنه سازیهای مبتذل، ملت بی‌دفاع را به مسلسل ببندد و نفسها را به خیال باطل خودش در سینه خفه گرداند ولی دیگر دیر شده است و ملت مظلوم و بیدار ایران آگاه گردیده‌اند. من هنوز اطلاع دقیقی از کشتگان و مجروحان در سراسر ایران ندارم؛ ولی خبرگزاریها تعداد کشتگان را به صدها نفر گزارش داده‌اند و خبرهایی از ایران، این تعداد را بیش از هزار نفر می‌گویند. اکنون بر ملت شجاع ایران است که به هر ترتیبی که ممکن است به مجروحین بیشمار خود، خون، دوا و غذا برساند و از هر گونه کمک مالی دریغ ننماید...» (صحیفه امام،ج ۳، ص ۴۶۵).

با قتل عام مردم توسط رژیم پهلوی در جمعه سیاه، این واقعه، سرآمد اخبار و اطلاعات به شمار آمد به طوری که بازتاب این جنایت بزرگ، جهانی شد و نه تنها مطبوعات داخلی کشور بلکه رسانه‌های خارجی نیز به این مهم می‌پرداختند. رسانه‌های داخلی که تحت کنترل رژیم پهلوی بودند به صورت مختصر و تحریف شده به این حادثه پرداختند. ولی بازتاب جهانی آن گسترده بود

***امام خمینی: خدا شاهد است مصطفای من تنها آن نبود که سالش نزدیک است، بلکه همه به خاک و خون کشیده‌های حادثه شوال، مصطفاهای من بوده‌اند. من این استقامت را و این فیض شهادت را که خداوند متعال نصیب فرزندانم فرمود به پدران و مادران و همه بستگانشان تبریک می‌گویم**

و در داخل کشور نیز مردم از طریق ارتباطات مردمی ابعاد فاجعه را برای همگان روشن کردند. به دنبال این حادثه، با موضع گیری امام خمینی موج اعتراضات و موضع گیریها نسبت به این عمل ددمنشانه رژیم پهلوی در داخل و خارج ایران به پا خاست. این حادثه سبب شد که احزاب و گروه‌های داخلی و خارجی در یک فضای نسبتاً باز سیاسی، به فعالیت‌های خود ادامه دهند و با انتشار اعلامیه‌ها و تبلیغات، کشتار مردم را مورد نکوهش قرار دهند و رژیم پهلوی را به انحاء گوناگون محکوم سازند. انعکاس عمق فاجعه هفده شهریور به خارج از مرزهای ایران، جذب نیروهای انقلابی و متدینی را در برداشت که دژ مخالفان رژیم را مستحکمتر می‌نمود و همین هواداران انقلابی خارج از ایران، به پرتوافکنی انقلاب ایران در سایر کشورها می‌پرداختند.

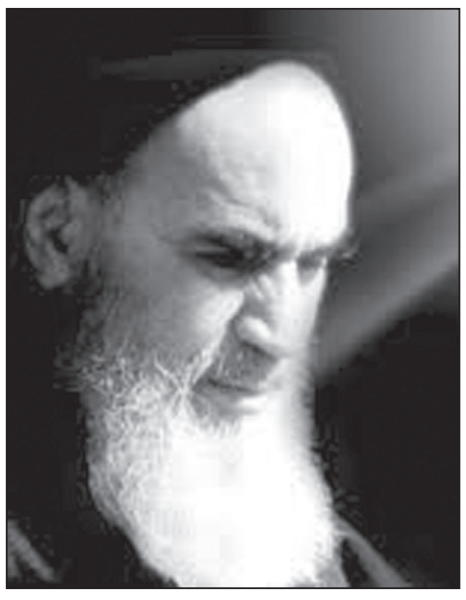

واکنش امام خمینی به کشتار مردم در روز جمعه سیاه، موضع گیری علما و روحانیون را در پی داشت. علما و مراجع ضمن اظهار تأسف و تأثر طی صادر نمودن پیام‌ها و اعلامیه هایی، این رژیم را غیر قانونی و حرکت وحشیانه آنها را مورد سرزنش قرار داده و در پی اعتراض به این عمل شاه، مردم را دعوت به عزای عمومی می‌نمودند. حضرت امام در پیام مربوط به جمعه سیاه، ضمن ابراز همدردی و تسلیت به خانواده‌های داغدار بر لزوم ادامه مبارزه تأکید نمودند و ندای پیروزی حق علیه باطل را سر دادند. ایشان همه شهدا را همانند فرزند خویش (آیت‌الله شهید سید مصطفی خمینی) دانستند. «وقتی شما راای فرزندان عزیز اسلام، خداوند متعال تسلیت می‌دهد، آیا باز هم محتاج به تسلیتید؟ خداوند- عز و جل- می‌فرماید: «بشارت بده صبرکنندگان را؛ کسانی که هر مصیبتی می‌بینند به حساب خدا تحمل می‌کنند و می‌گویند ما همه برای خدا خلق شده ایم، برای خدا زندگی می‌کنیم، و وقتی بمیریم از بین نمی‌رویم بلکه به سوی خدای مهربان برمی گردیم. صلوات و رحمت خدا بر ایشان؛ اینها هستند که به آرزوی انسانی رسیده‌اند. مع ذلک من به نیابت حضرت ولی عصر امام زمان به همه مسلمانان جهان مصیبت چهارم شوال سال ۹۸ ه. ق (۱۷ شهریور) را خاصه به خانواده‌های داغدار تسلیت می‌گویم، و در عین حال تبریک. و خدا شاهد است مصطفای من تنها آن نبود که سالش نزدیک است، بلکه همه به خاک و خون کشیده‌های حادثه شوال، مصطفاهای من بوده‌اند. من این استقامت را و این فیض شهادت را که خداوند متعال نصیب فرزندانم فرمود به پدران و مادران و همه بستگانشان تبریک می‌گویم. و چنین کشته شدنی که افتخار دارد، بزرگترین آرزوی من است و شاید نزدیک باشد. اما فرج و پیروزی حق بر باطل، از آن نزدیکتر است. و از این پس جا دارد که همه کارهای خود را تعطیل کنیم- نه برای همیشه - که به همین زودی ظالم جبار سرنگون می‌شود. در باز کردن مغازه‌ها و کارخانه‌ها عجله نکنید. در تقویت روحیه و ایمان کسانی که ضعیفند بکوشید که روزی دست خداست. چند روز تعطیل کسب و کار برای رضای خدا کسی را از گرسنگی نمی‌کشد. عزت و ثروت دست خداست. از مرگ نترسید که حیات و ممات به دست خداست. تعطیل را ادامه دهید که فرج نزدیک است...» (صحیفه امام؛ ج۳، ص ۴۶۳ - ۴۶۲)

امام خمینی در پی این حادثه و کشته شدن تعداد زیادی از مردم غیور ایران به دست مدعیان حقوق بشر(رژیم پهلوی) اعلام عزای عمومی و ادامه اعتصابات را اعلام نمودند. یک هفته بعد از واقعه ۱۷ شهریور ایشان طی پیامی اعلام داشتند: «اکنون که یک هفته از کشتار فجیع گروه اول مقتولین مظلوم ما می‌گذرد، اکنون که یک هفته تمام است ملت معظم ایران در زیر چکمه دژخیمان و رگبار مسلسل و توپ و تانک دست و پا می‌زند، اکنون که شاه دست از آستین فضای باز سیاسی درآورده و به دروکردن نهال جوانان رشید و شجاع ما پرداخته است، اکنون که با نفسهای آخر، حکومت فاشیستی نفسهای ملت را در سینه خفه کرده، اکنون که گورستانها از قبور شریف فرزندان اسلام و قرآن پر گردیده، اکنون که دژخیمان شاه به عربده و پایکوبی در مرگ عزیزان ما به شادی نشسته اند، اکنون شاه می‌خواهد ایران را به ویرانه و قبرستان تبدیل کند. اکنون که عمال از خدا بیخبر شاه در مجلس گرد هم جمع شده و با صحنه

***امام خمینی: اعلام حکومت نظامی در محیطی آرام- به اقرار رادیو و مطبوعات ایران که راهپیمایی با کمال آرامش در آن انجام می‌گرفت- نه تنها قانونی نیست بلکه جرم است و دستور دهنده آن مجرم**

سازیهای مبتذل و اغفال‌کننده می‌خواهند مجرم اصلی را تبرئه و گناه بزرگ و خیانت عظیم را به دیگران که آلتِ فعلی بیش نیستند، نسبت داده و خود را. مقرب الخاقان قرار دهند، اکنون که تمام خیانتکاران خارج و داخل پشتیبانی از جنایات شاه می‌کنند، اکنون که از چهره‌های کریه آزادی خواهی و طرفداری از حقوق بشر پرده برداشته شده، ملت مظلوم و بزرگ ایران باید اعتصاب نموده در عزا بنشینند و رسماً روز پنجشنبه یازدهم شوال را روز عزا قرار دهند.» (صحیفه امام؛ ج ۳، ص ۴۶۴)

همچنین حضرت امام در آستانه چهلم جمعه سیاه، یاری و حمایت انقلابیون و افشارگری بر ضد طاغوتیان را تکلیف و هرگونه بی‌تفاوتی نسبت به این مهم را خلاف تکلیف بر شمردند. «فردا که روز چهلم جمعه سیاه است، من نمی‌دانم چه مصیبتی بر این ملت خواهد وارد آمد. اینها ایستاده اند، جان می‌دهند، بچه‌های هفت ساله و هشت ساله شان ایستاده و می‌گوید: مرگ بر این سلطنت پهلوی! و تظاهر می‌کند و کشته می‌شود؛ فردایش هم همان بچه‌های دیگر، باز می‌گویند. این طور ایران الآن قیام کرده است و نهضت کرده است؛ و ما مکلفیم که به اینها کمک بکنیم؛ بی‌تفاوت نباشیم. می‌توانیم بگوییم، در جوامع بگوییم، بنویسیم، منتشر کنیم؛ عالم را آگاه کنیم از این مصیبتی که بر سر ملت ما آمده است.»(صحیفه امام؛ ج ۴، ص ۲۷).

آگهی ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

بموجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آیین نامه اجرایی آن مصوب ۹۰/۰۹/۲۰ مجلس شورای اسلامی متقاضیانی که به استناد قانون فوق تقاضای صدور سند مالکیت نموده اند و هیئت حل اختلاف رای به صحت وقوع بیع و تصرفات آنان صادر نموده است در دو نوبت جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می‌گردد:

۱ - پلاک ۲۳۰۸۴ فرعی از ۲۰۰ اصلی بنام آقای رضا اسماعیلی فرزند نعمت ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۱۶۸/۸۵ متر مربع واقع ایوا ن -شهرک نبوت .
۲ - پلاک ۲۵۱۰۱ فرعی از ۲۰۰ اصلی بنام آقای ولی آقایی فرزند ستار در ششدانگ یک باب ساختمان به مساحت ۱۹۷/۰۳متر مربع واقع در ایوان - انتهای خیابان شهید بهشتی جنب محیط زیست.
۳ - پلاک ۲۵۱۰۲ فرعی از ۲۰۰ اصلی بنام آقای عباس محمد حسینی فرزند آخه جان ششدانگ یک باب ساختمان به مساحت ۱۷۱ متر مربع واقع در ایوان - کوی اصناف .
۴- پلاک ۲۵۰۶۷ فرعی از ۲۰۰ اصلی بنام آقای تقی احمدی فرزند موسی ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۶۰۲/۱۳ متر مربع واقع در ایوان - روستای باسکله گرمه.
۵ - پلاک ۲۵۰۷۰ فرعی از ۲۰۰ اصلی بنام آقای حسین پیره فرزند ستار در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۴۰۳۷/۷۷متر مربع واقع در ایوان -روبروی روستای کل کل.
۶ - پلاک ۲۵۰۸۰ فرعی از ۲۰۰ اصلی بنام خانم عفاف دلشاد فرزند عبداله در ششدانگ یک قطعه زمین مساحت ۱۹۰۱/۹ متر مربع واقع در ایوان - خرابانان .
۷ - پلاک ۲۵۰۸۳ فرعی از ۲۰۰ اصلی بنام آقای میر حسین خورانی جهانی فرزند عبدالحسین در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۵۵۶۸/۶۳ متر مربع واقع در ایوان - خوران.
۸ - پلاک ۲۵۰۸۴ فرعی از ۲۰۰ اصلی بنام عزیز خورانی جهانی فرزند عبدالحسین از ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۷۷۷۵/۸۴متر مربع واقع در ایوان - روستای خوران .
۹ - پلاک ۲۵۰۹۷ فرعی از ۲۰۰ اصلی بنام آقای محمد جواد حسنی فرزند جهانبخش از ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۴۴۹۱/۹۶ متر مربع واقع در ایوان - روستای ساتیان.
۱۰ - پلاک ۲۵۱۴۳ فرعی از ۲۰۰ اصلی بنام خانم لیلا اقبالی فرزند احمد از ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۷۵۶۱/۶۸ متر مربع واقع در ایوان - زرنه .
۱۱ - پلاک ۲۵۱۴۴ فرعی از ۲۰۰ اصلی بنام آقای پرویز فیلی فرزند فتاح در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۵۱۵/۴۴ متر مربع واقع در ایوان - زرنه .
۱۲ - پلاک ۲۵۱۴۵ فرعی از ۲۰۰ اصلی بنام خانم شهناز غلامی زرنه فرزند سلیمان در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۸۵۰/۶۱ متر مربع واقع در ایوان - زرنه.
۱۳ - پلاک ۲۵۱۴۶ فرعی از ۲۰۰ اصلی بنام آقای داریوش غلامی فرزند علی عسگر در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۳۹۷۲/۶۹ متر مربع واقع در ایوان - روستای زرنه.
۱۴- پلاک ۲۵۱۴۷ فرعی از ۲۰۰ اصلی بنام آقای امیرحسین شفیعی فرزند میرزا در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۵۷۶۷/۲ متر مربع واقع در ایوان - زرنه.
۱۵ - پلاک ۲۵۱۴۸ فرعی از ۲۰۰ اصلی بنام آقای امیرحسین شفیعی فرزند میرزا در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۱۳۲۴/۴۸ متر مربع واقع در ایوان - زرنه .
۱۶ - پلاک ۲۵۱۴۹ فرعی از ۲۰۰ اصلی بنام آقای جوهر اسماعیلی فرزندبگلر درششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۴۶۴۸/۵۱ متر مربع واقع در ایوان - زرنه
۱۷ - پلاک ۲۵۱۵۰ فرعی از ۲۰۰ اصلی بنام آقای روح اله فاضلی فرزندخدارحم درششدانگ یک باب ساختمان به مساحت ۳۰۰/۰۵ متر مربع واقع در ایوان -انتهای خیابان شهید احمدی .
۱۸ - پلاک ۲۵۱۵۱ فرعی از ۲۰۰ اصلی بنام آقای جوهر اسماعیلی فرزند بگلر درششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۰۱۶۶/۹۶ متر مربع واقع در ایوان -زرنه .
۱۹ - پلاک ۲۵۱۵۲ فرعی از ۲۰۰ اصلی بنام آقای علی رضا محمدی فرزند آقاجان درششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۱۶۷۴/۸۵ متر مربع واقع در ایوان - زرنه .بتوی گاو مهر .
۲۰ - پلاک ۲۵۱۵۳ فرعی از ۲۰۰ اصلی بنام آقای علی رضا محمدی فرزند آقاجان درششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۷۵۰۷/۹۴ متر مربع واقع در ایوان - زرنه .
۲۱ - پلاک ۲۵۱۵۶ فرعی از ۲۰۰ اصلی بنام آقای علی رضا محمدی فرزند آقاجان درششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۶۰۳۰/۴۳ متر مربع واقع در ایوان - زرنه .
۲۲ - پلاک ۲۵۱۵۷ فرعی از ۲۰۰ اصلی بنام امین کاظمی زرنه فرزند احمد درششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۶۸۶/۱۳ متر مربع واقع در ایوان - زرنه.
۲۳ - پلاک ۲۵۱۸۸ فرعی از ۲۰۰ اصلی بنام خانم حکیمه کاظمی چم سورک فرزند مراد درششدانگ یک باب ساختمان به مساحت ۱۵۶/۱ متر مربع واقع در ایوان - خیابان شهید بهشتی کوچه بهاران.
۲۴ - پلاک ۲۵۱۹۰ فرعی از ۲۰۰ اصلی بنام آقایان منوچهرومظفرو مجتبی شهرتین حیدری فرزندان علی اکبرهر کدام دردو دانگ از ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۶۶۱۵/۷۵ متر مربع واقع در ایوان - خرابانان.
۲۵ - پلاک ۲۵۱۹۱ فرعی از ۲۰۰ اصلی بنام آقایان منوچهرومظفرو مجتبی شهرتین حیدری فرزندان علی اکبرهر کدام دردو دانگ از ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۸۲۳۵/۹۱متر مربع واقع در ایوان - خرابانان.
۲۶ - پلاک ۲۵۲۱۹ فرعی از ۲۰۰ اصلی بنام رسول کاظمی فرزند علیجان در ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۱۹۷/ ۴۱ متر مربع واقع در ایوان - انتهای خیابان شهید بهشتی پشت اداره امور عشایری.
۲۷ - پلاک ۲۵۲۴۱ فرعی از ۲۰۰ اصلی بنام آقای شیرزاد عزیزی فرزند میرزا در ششدانگ یک باب ساختمان مسکونی به مساحت ۴۳۱/۵۸ متر مربع واقع در ایوان - زرنه.
۲۸ - پلاک ۲۵۲۷۶ فرعی از ۲۰۰ اصلی بنام آقای علی حسنی فرزند عبداله در ششدانگ یک باب ساختمان به مساحت ۱۰۶/۳۴ متر مربع واقع در ایوان - انتهای خیابان شهید بهشتی کوچه بهاران پلاک یک.
۲۹ - پلاک ۲۵۲۸۷ فرعی از ۲۰۰ اصلی بنام آقای اسلام مهین خواه فرزند شمس اله در ششدانگ یک باب ساختمان به مساحت ۱۶۷/۵۷ متر مربع واقع در ایوان -انتهای خیابان شهید بهشتی جنب اداره محیط زیست.
۳۰ - پلاک ۲۵۲۹۴ فرعی از ۲۰۰ اصلی بنام آقای زلفی محمد کریمی فرزند روضان در ششدانگ یک باب مغازه به مساحت ۹۸/۳۵ متر مربع واقع در ایوان - خیابان خیبر.
۳۱ - پلاک ۲۵۱۵۹ فرعی از ۲۰۰ اصلی بنام آقای امین کاظمی زرنه فرزند احمد در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۶۳۹/۰۸ متر مربع واقع در ایوان - زرنه.
۳۲ - پلاک ۲۵۱۶۱ فرعی از ۲۰۰ اصلی بنام آقای ستار غلامی زرنه فرزند کریم در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۶۳۲۳/۴۵ متر مربع واقع در ایوان - زرنه.
۳۳ - پلاک ۲۵۱۶۳ فرعی از ۲۰۰ اصلی بنام آقای ستار غلامی زرنه فرزند کریم در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۲۱۶۶/۲۱ متر مربع واقع در ایوان - زرنه.
۳۴ - پلاک ۲۵۱۶۵ فرعی از ۲۰۰ اصلی بنام ستارغلامی زرنه در ششدانگ یکقطعه زمین مزروعی به مساحت ۷۳۴۹/۰۸متر مربع واقع در ایوان - زرنه
۳۵ - پلاک ۲۵۱۶۷ فرعی از ۲۰۰ اصلی بنام آقای حسین حضرت فرزند الماس در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۴۵۵۸/۹۴ متر مربع واقع در ایوان - زرنه
۳۶ - پلاک ۲۵۱۶۹ فرعی از ۲۰۰ اصلی بنام آقای حسین حضرت فرزند الماس در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۰۵۱۷/۲۶ متر مربع واقع در ایوان - زرنه
۳۷ - پلاک ۲۵۱۷۱ فرعی از ۲۰۰ اصلی بنام آقای حسین حضرت فرزند الماس در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۶۲۹۵/۰۸ متر مربع واقع در ایوان - زرنه
۳۸ - پلاک ۲۵۱۷۲ فرعی از ۲۰۰ اصلی بنام آقای حسین حضرت فرزند الماس در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۳۲۰۵/۸۶ متر مربع واقع در ایوان - زرنه
۳۹ - پلاک ۲۵۱۷۰ فرعی از ۲۰۰ اصلی بنام آقای حسین حضرت فرزند الماس در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۷۹۶۷/۳ متر مربع واقع در ایوان - زرنه
۴۰ - پلاک ۲۵۲۳۱ فرعی از ۲۰۰ اصلی بنام سعید شهبازی نصاری فرزند علی از ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۴۳۵/۴۶ متر واقع در ایوان - روستای هلشی .
۴۱ - پلاک ۲۵۳۱۵ فرعی از ۲۰۰ اصلی بنام محمد منصوری فرزند نادعلی در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۹۱۷۷/۵ متر واقع در ایوان - روستای هلشی جنب مجتمع فارغ التحصیلان.
۴۲ - پلاک ۲۵۳۳۴ فرعی از ۲۰۰ اصلی بنام خانم لیلا محمدی فرزند فرخ در ششدانگ یک باب ساختمان به مساحت ۳۳۴/۷۵ متر خریداری واقع در ایوان - زرنه.
۴۳ - پلاک ۲۵۳۵۸ فرعی از ۲۰۰ اصلی بنام خانم سمیه اکبری فرزند یحیی در ششدانگ یک باب ساختمان به مساحت ۳۸۷/۳۸ متر واقع در ایوان - خرابان علیا.
۴۴ - پلاک ۲۵۳۵۹ فرعی از ۲۰۰ اصلی بنام آقای محمدیار آقا ویسی فرزند ملک در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۲۷۰۱/۵۲ متر واقع در ایوان - جنب دانشگاه اسلامی.
۴۵ - پلاک ۲۵۳۶۱ فرعی از ۲۰۰ اصلی بنام بهمن یاسمی فرزند شیرخان در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۳۶۶۷/۸۱ متر واقع در ایوان - شاله شوری
۴۶ - پلاک ۲۵۳۶۲ فرعی از ۲۰۰ اصلی بنام آقای رحیم -کریم- عزیز-نسیم شهرتین کرمی فرزند ان عزیم هرکدام یک ونیم دانگ در ششدانگ یک قطعه زمین به مساحت ۱۶۹۶۹/۸۸ مربع واقع در ایوان -دوبیران سفلی .
۴۷ - پلاک ۲۵۳۶۳ فرعی از ۲۰۰ اصلی بنام خانم طاهره غلامی فرزند محمدرضا در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۱۱۳۳/۱۳ متر مربع واقع در ایوان - زرنه
۴۸ - پلاک ۲۵۳۶۵ فرعی از ۲۰۰ اصلی بنام بی توک احمدی فرزند حیدر در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۲۴۱۵/۳ متر مربع واقع در ایوان -زرنه
۴۹ - پلاک ۲۵۳۶۶ فرعی از ۲۰۰ اصلی بنام خانم ستاره شفیعی فرزند حشمت اله در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۶۳۷۱/۲۴ متر مربع واقع در ایوان -زرنه.
۵۰ - پلاک ۲۵۳۶۸ فرعی از ۲۰۰ اصلی بنام خانم فرحناز حسن بیگی فرزند حسین در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۲۲۹۶/۶۷متر مربع واقع در ایوان -زرنه .
۵۱ - پلاک ۲۵۳۷۰ فرعی از ۲۰۰ اصلی بنام آقای حسین صادقی فرزند محمد در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۸۰۶/۴۷متر مربع واقع در ایوان -زرنه .
۵۲ - پلاک ۲۵۳۷۲ فرعی از ۲۰۰ اصلی بنام آقای دلشاد غلامی فرزند علی در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۶۶۹۳/۲۸متر مربع واقع در ایوان -زرنه .
۵۳ - پلاک ۲۵۳۷۳ فرعی از ۲۰۰ اصلی بنام آقای روح اله فیلی فرزند علی در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۴۷۷۴/۹۱متر مربع واقع در ایوان -زرنه .
۵۴ - پلاک ۲۵۳۷۴ فرعی از ۲۰۰ اصلی بنام آقای حق نظر داودی فرزند محمود در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۷۴۳۳/۸۸ متر مربع واقع در ایوان - زرنه
۵۵ - پلاک ۲۵۳۷۵ فرعی از ۲۰۰ اصلی بنام آقای رحمان حیدری زرنه فرزند مصطفی در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۵۱۰۶/۷۳متر مربع واقع در ایوان -زرنه.
۵۶ - پلاک ۲۵۳۷۶ فرعی از ۲۰۰ اصلی بنام آقای اکرام اسمعیلی فرزند فتح اله در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۳۶۱۴/۴۷ متر مربع واقع در ایوان - زرنه
۵۷ - پلاک ۲۵۳۷۷ فرعی از ۲۰۰ اصلی بنام آقای عبدالکریم روشنی فرزند جمعه در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۱۴۸/۳۸ متر مربع واقع در ایوان - سراب
۵۸ - پلاک ۲۵۳۷۸ فرعی از ۲۰۰ اصلی بنام آقای عبدالکریم روشنی فرزند جمعه در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۵۳۲/۸۸ متر مربع واقع در ایوان -سراب.
۵۹ - پلاک ۲۵۳۸۲ فرعی از ۲۰۰ اصلی بنام آقای عبدالکریم روشنی فرزند جمعه در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۴۲۸۸/۸۲ متر مربع واقع در ایوان - سراب.
۶۰ - پلاک ۲۵۳۸۳ فرعی از ۲۰۰ اصلی بنام آقای عبدالکریم روشنی فرزند جمعه در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۰۹۹/۷ متر مربع واقع در ایوان - سراب.
۶۱ - پلاک ۲۵۳۷۹ فرعی از ۲۰۰ اصلی بنام آقای عبدالکریم روشنی فرزند جمعه در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۱۰۸۰/۵۷ متر مربع واقع در ایوان - سراب.

لذا چنانچه اشخاص ذینفع به آراء اعلام شده اعتراض دارند می توانند ظرف مدت دو ماه از تاریخ انتشار نوبت اول آگهی اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد واملاک شهرستان ایوان تسلیم و رسید اخذ نمایند ، معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم داخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل دهد ،که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است، در غیر اینصورت پس از مدت قانونی مذکور سند مورد تقاضای متقاضیان بر اساس آراء صادره از هیئت حل اختلاف و قانون مذکور صادر خواهد شد، بدیهی است صدور سند مالکیت مانع مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۳/۰۵/۲۹
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۰۶/۱۲

هوشنگ بابایی
رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان ایوان